

افشین جابری

قطعات سونات ها و بالادها از برای پیانو

افشین جابری متولد سال ۱۹۷۳ پیانست و آهنگساز ایرانی در مملکت بحرین متولد و در قطر پرورش یافت. از همان زمان کودکی علاقه او به نواختن پیانو و آهنگسازی نمایان بود اما تحصیلاتی در این رشته دریافت ننمود، تا در سال ۱۹۹۱ که تحصیلات عالی خود را در رشته موسیقی نخست در دبیرتسن - مجارستان و سپس در قزاقستان آغاز نمود. پیشرفت سریع او در رشته پیانو بویژه آثار موسیقیدانان قرن نوزدهم سبب گردید تا به آهنگسازی پردازد و یک سری قطعات موسیقی از برای پیانو تألیف نماید که اولین بالاد را در سال ۱۹۹۱ خلق نمود.

موسیقی های افشین تحت تاثیر دیانت بهائی قرار گرفته و قطعات موسیقی وی که در این دیسک ارائه شده نمایانگر آن است.

دیانت بهائی جوانترین ادیان جهانست و مؤسس آن حضرت بهاءالله میباشد که در نیمه قرن نوزده میلادی در ایران در سرزمین دیرین افشین پیدایش یافت. از جمله تعالیم عمده این آئین آنکه اساس ادیان الهی یکی است، و اینکه پیامبران الهی همواره و پیوسته در طول تاریخ بشریت برای راهنمایی و هدایت بشر از جانب خداوند ارسال میشوند و همچنین اهمیت وحدت و یگانگی و اتحاد و اتفاق بین بشر برای آسایش و رفاه عالم انسانی.

ساختارهای موسیقی وی اغلب بصورت داستانیست که در آن لحن شرقی با هارمونی و فورمهای رومانتیکی موسیقی غربی توأم شده است.

تا بامروز وی موفق به تألیف ۹ بالاد و ۴ سوناتای سولو برای پیانو گشته و این نه ۹ بالاد را برای پیانو و اورکستر آماده نموده است.

سوناتای شماره ۱ " سالک " با الهام از زندگی توماس بریکول (۱۸۷۲-۱۹۰۲) است. که در آخرین سال حیات خویش بامر حضرت بهاءالله اقبال نمود و اول مؤمن انگلیسی نژاد گردید، روحانیت محضه و تعلق قلبی شدیدش به تعالیم حضرت بهاءالله وی را که در اثر ابتلا به مرض سل دچار مرگ زود هنگام نمود در زمره ستارگان درخشان این دیانت در آورد.

سه قسمت سوناتا عبارت از سه مرحله از سفر روحانی بریکویل است.

مرحله قدم در راه طلب که (افشین به این قطعه "مسافر" نیز اشاره میکند) و مرحله یافتن دیانت بهائی و مرحله تجلیل او پس از وفاتش بواسطه حضرت عبدالبهاء و استقبالش در آسمان چون ستاره ای درخشانده و تابان .

روش نواختن بویژه در قسمت اول این قطعه، یاد آور موسیقی شوپان میباشد، و نمایانگر موسیقی پر آشوب قبل از آرامش قسمت دوم و نغمه های آن است.

در پایان ، تحقق ادعیه حضرت عبدالبهاء برای بریکویل است. نواختنی که دارای عطر شرقی است آغاز میشود، و سپس با هارمونی پر هیجان ، مانند **سکریابین**، توأم میشود.

همچنان که این سوناتا به پایان میرسد افشین تصویر زیبایی از بریکویل که همچون ستاره ای در آسمان میدرخشد ارائه میدهد.

سوناتای دوم : "در مسیر صلح " راجع به فجایع جنگ است مخصوصاً جنگی که در اثر تعصب و انقسام مذهبی بوجود میآید.

در قسمت اول همانگونه که جنگ و نبرد باوج خود میرسد، لحن ها که صداهای **باس (بم)** و بسیار ریتمیک بر آن غلبه نموده، شدت می یابد ، و با هارمونی دیسونانس کاسته (به مقدار نیم گام) می پیوندد .

بدون وقفه، قسمت دوم که با احساس غم توأم است آغاز میشود و از وحشت و ستیز جنگ نور امید مینابد و فرصت صلح و دوستی ظاهر میگردد و بالاخره با نواختنی که با دست چپ شروع میشود ، قسمت سوم را که حکایت از صلح و

صفاست را بتدریج می‌گشاید، ولی البته نه بدون درگیریهایی دردناک و هولناک جنگ.

این سوناتا تقدیم شده به روح منی محمود نژاد (۱۹۶۵-۱۹۸۳). منی یکی از شهدایی است که در هفده سالگی در راه عقیده مذهبی خویش در شیراز به دار آویخته شد.

همچنان، تصویری از دنیایی بیگانه و از هم پاشیده و مجزا در سوناتای سوم بنام **بدوی ها** ادامه دارد، در این اثر هنری بدوی ها نمونه فرهنگی میباشند که در دنیای امروزه در خطر انزوا و مهجوریت قرار گرفته اند. آغاز آن با لحن بدوی ها و تصویری از زندگی در صحرا است که راه را برای لحن غم انگیز قسمت میانی این قسمت باز مینماید، احساس غمی که ناشی از تنهایی و جدایی از سایر نوع بشر است، لحنی که با هارمونی رومانئیک و با موسیقی بدوی ها پیوسته و توأم شده.

قسمت سوم و پایان این سوناتا، با سرود وحدت و یگانگی نوع بشر که لحن عمده روندو میباشد آغاز میشود، لحنی که شیوه اش اصولی از فنون نواختن **لیست** تا موسیقی **بلوز** را در بر گرفته است.

حضرت باب

سه بالاد مرتبط بهم که بین سالهای ۱۹۹۱-۲۰۰۰ تکمیل شد، افشین اولین این قطعات را در زمانی که در آکادمی فرانس لیست تحصیل میکرد تألیف نمود. این قطعات سه گانه نیز ترکیبی از اثرات موسیقی کلاسیک غربی در قرن نوزدهم با نوای شرقی است، و روشی است از برای وصف رویدادهای تاریخی دیانت بهائی که در نیمه قرن نوزدهم آغاز گردید.

هر سه بالادهای افشین واقعه ها و شخصیت های تاریخی ویژه ای از دیانت بهائی را توصیف میکند. اولین بالاد بنام، **مبشر** است که در وصف آن لیلۀ تاریخی اظهار امر حضرت باب و اعلان امر به اول من آمن به حضرتش جناب ملاحسین بشروئی در ۲۳ می ۱۸۴۴ میباید، نام حضرتشان، سید علی محمد، و از سلالۀ حضرت محمد(ص) پیامبر اسلام بودند.

ایشان به ملاحسین اظهار داشتند که ۱۸ نفر بطور مستقل ویکی پس از دیگری به حضرتشان ایمان خواهند آورد . و آن مؤمنین اولیه را به (حروف حی) مُلقَّب فرمودند.

حضرت باب هر یک از حروف حی را موکول بمأموریت خاصی فرمودند ، و جناب ملاحسین را بطهران اعزام نمودند که در آنجا فرزند وزیر عالی رتبه دربار شاه موسوم به میرزا حسین علی که بعدها به حضرت بهاءالله ملقب شدند را یافتند ، و بسته ای از نوشتجات حضرت باب را جهت ایشان فرستادند، حضرت بهاءالله بمجرد ملاحظه آن نوشتجات به حقانیت حضرت باب اعتراف نمودند. سالها بعد حضرت بهاءالله اظهار داشتند که حضرتشان همان موعودی هستند که حضرت باب بظهورش بشارت دادند .

دومین بالاد، **ارویکا یا (قهرمان)** ، در وصف فداکاریها و استقامت قهرمانانه مؤمنین اولیه دیانت بهائی است ، هر چند تعداد نفوس بیشماری بامر حضرت باب اقبال نمودند ، اما هزاران تن از مؤمنین را دستگیر و زندانی و بخاطر عقیده شان بقتل رساندند. حضرت باب را نیز دستگیر و زندانی ساختند. این بالاد بویژه شهادت جناب ملاحسین و یکی دیگر از مؤمنین برجسته بنام قدوس را توصیف میکند که در سال ۱۸۴۹ در واقعه قلعه شیخ طبرسی بشهادت رسیدند. این بالاد طولانی ترین هر سه بالادهاست ، که لحن های متناوب با وقایع هیجان انگیز صحنه های نبرد ، و استقامت و سکون شهداء را در حین جان باختن تصویر مینماید.

در انتها ، و در آخرین بالاد موسوم **بشهادت** ، وصف شهادت حضرت باب در ۹ جولای ۱۸۵۰ در تبریز است . چند سالی از زندانی حضرتشان میگذشت، و علیرغم توهین و تعذیب همچنان بر دعوی خویش ثابت و استوار ماندند . شروع این قطعه نمایانگر آنست که امر حضرت باب با وجود مصائب و آلام و محن شعله اش افروخته تر گردید . در روز شهادت ، ایشان با منشی خود مشغول مذاکره بودند ، هر چند اصرار نمودند تا گفتگو را بانتهای رسانند ولی فراشبازی ایشان را به میدانی بردند که مقرر بود با یک مؤمن جوان بنام (انیس) هدف گلوله

قرار دهند. قریب ده هزار نفر برای تماشای این صحنه حاضر بودند ، افشین با سه صدای بسیار آرام لحظه سکوت آن جمع ده هزار نفری و فرا رسیدن لحظه شهادت را توصیف میکند، چون دود هفتصد و پنجاه گلوله که شلیک شده بود متلاشی شد ، آنیس را بدون هیچ آسیبی ایستاده و حضرت باب را غائب دیدند ، پس از جستجو ایشانرا مانند قبل در همان حجره مشغول صحبت با منشی خود یافتند . بعد از آنکه صحبت‌هایشان تمام شد بمیدان باز گشتند و در این بار هر دوی آنها ، حضرتشان و آنیس بشهادت رسیدند ، بلا فاصله طوفانی شدید در تمام شهر وزیدن گرفت.

این بالاد با لحن راه پیمائی جنازه ای ، که نشانه بزرگداشت شهادت این پیامبر عظیم است پایان می یابد .

بنای مقام حضرت باب ، برحسب دستور حضرت بهاءالله ، بر کوه کرمل واقع شده است .

کاتی هاملتون ، برداشت از یاداشتهائی از افشین جابری

ترجمه : مرضیه جابری

افشین جابری

افشین جابری در سال ۱۹۷۳ در يك خانواده ایرانی که در کشور قطر اقامت داشتند متولد شد . هرچند توفیق تحصیلات در این رشته در زمان کودکی میسر نگردید ، اما توانست با تلاش فردی به پرورش این موهبت هنری پردازد ، تا آنکه رسماً تحصیلات موسیقی خود را در سال ۱۹۹۱ در مجارستان در آکادیمی فرانس لیست آغاز نمود ، و موفق بکسب لیسانس در رشته تدریس پیانو گشت . پیشرفت سریع و مستمر او منجر بجلب توجه استادان خویش گردید ، و بعد از دو سال و نیم از بخش دانشجوی نصف وقت که برای آمادگی ورود به دانشگاه گذرانده بود به دانشجوی تمام وقت قبول شد . و علاوه بر پیشرفتش در نواختن پیانو، قطعاتی را که برای این ساز ساخت موجب جلب توجه بیشتر گردید ، بویژه اولین بالادی که در سن هجده سالگی ساخته بود.

آثار موسیقی او بنحوی نمایان از عقیده وی ریشه و بهره گرفته ، و در بالادها ، زندگی قهرمانانه و فداکاریهای مؤسسين و پیروانش منعکس شده است .

بر اساس این زمینه افشین توانسته است که نواهاي موسیقي شرقي و غربي را در قطعات خود باهم بیامیزد .

افشین تحصیلاتش را در شهر آلمانی در قزاقستان ادامه داد ، و موفق به نیل درجه فوق لیسانس در نواختن پیانو و دکترای خود در زمینه علوم تربیتی گردید.

در آنجا نیز توانست با موسیقی های خود توجه و احترام اساتذده دانشگاه را به خود جلب نماید و استثنائاً از وي خواسته شد تا قطعات موسیقي خویش را همچون دیگر آهنگسازان جهاني و معروف در کنسرت امتحاني و کنسرت فارغ التحصیلی اجرا کند.

در زمان تحصیلات کنسرت های بیشماری در مجارستان و قزاقستان ، و بعدها در سلوفاکیا و روسیه و بحرین و قطر اجرا نمود .

افشین به زبانهای متعددی صحبت میکند ، وی تسلط کامل به زبان فارسی و عربی و همچنین زبانهای انگلیسی و مجارستانی و روسی دارد.

پس از بازگشت به قطر به تجارت خانواده پرداخت ولی هم زمان به آهنگ سازی و تدریس و اجرای کنسرت ادامه میدهد.

ترجمه : مرضیه جابری